

## تأثیر ایران در تمدن بشر

سخنرانی آقای دکتر ویلیام جیمز دورانت

در انجمن روابط فرهنگی ایران و آمریکا

اول اردی بهشت ۱۳۲۷

جناب آقای رئیس و میهمانان گرامی

از من درخواست شده که راجع به تأثیری که ایران در تاریخ تمدن بشر داشته است باختصار در اینجا صحبت کنم. من این درخواست را با کمال اکراه پذیرفتم زیرا نمیشود باور کرد که من بتوانم در چنین مجمعی که از علما و فضلا تشکیل شده حتی يك نظر تازه راجع به فرهنگ و سیر تمدن فریبنده و سحر آمیز ایران اظهار دارم.

بنابراین اطمینان دارم که اگر تقاضا کنم قصور و لغزشها و خطاهای مرا با چشم اغماض بنگرید قبول فرموده و تصور نخواهد شد که این خواهش صرفاً از لحاظ رعایت اصول و تعارف است.

دیروز صبح در ضمنی که آقای دکتر بهرامی مرا برای دیدن آثار عتیقه ایران که مشهور جهانست در موزه باستان شناسی شما راهنمایی میکردند و با کمال شکیبایی اظهارات فاضلانه ای راجع بآنها بیان میفرمودند من بیش از پیش به قدمت فرهنگ شما پی بردم و حس کردم که چگونه تمدن باستانی شما توانسته است صفات ممتاز و تفوق خود را بر هر نیروی اجنبی که بکشور شما داخل شده است تحمیل کند. هزاران سال است که شما خلاق زیبایی بوده اید.

شانزده قرن پیش از مسیح از این سرزمین یا حوالی آن یعنی اریانا و ای هو که ایران قدیم باشد اقوامی مهاجرت کرده و نژاد تازه ای در فوادی شمال هندوستان ایجاد کردند. از آن نژاد و خون تازه زبان شریف سانسکریت بوجود آمد. این زبان با آهنگ شیرین و خوش لحن زبان شما خیلی نزدیک است.

دراثر این اختلاط و آمیزش بودا و ایانی شاد و بودا بوجود آمد. شما برای بسط تمدن خود مثل مقسم آب خون و فکر و هنر و مذهب خود را از سمت مشرق و مغرب در جهان پراکنده ساختید.

اوستا کتاب مذهبی قدیم شما نه تنها صدها اثر در مذاهب یهود و مسیح و اسلام باقی گذاشته بلکه یکی از عالیترین نکات فلسفی اخلاقی بشر را بدینا معرفی کرده است و آن عبارتست از تصور حیات بمنزله يك مبارزه میان نور و ظلمت یا حقیقت و دروغ یا خوبی و بدی. در این کتاب مردم دستور داده شده که به حمایت از نور و روشنائی برخیزند و به هورمزد مساعدت کنند که در این مبارزه پیروز شود زیرا در نتیجه این مبارزه که در عالم لایتنهایی و در طی قرون متمادی صورت میگردد زندگی هر فرد مفهوم و ارزش واقعی پیدا کرده و حیثیت و شرافتی می یابد که در اثر مرگ محو و نابود نخواهد شد.

من لازم نمی بینم که اقدامات دوره اجداد هخامنشی شمارا يك شرح دهم . در آن موقع برای نخستین بار در تاریخ جهان يك كشور امپراطوری تقریباً بوسعت امروزی ایالات متحده امریکا بوجود آمدن امپراطوری دارای يك سازمان حکومتی منظم و دواير کافی و يكسلسله وسایط ارتباطی و امنیت عمومی برای مسافرین و مال التجارهائی که در جاده های با عظمت در حرکت بودند بود . و در تاریخ قدیم آن کشور را فقط میتوان بادوره ای که امپراطوری رم باوج عظمت خود رسیده بود مقایسه کرد . تنزل و ضعف امپراطوری هخامنشی در نتیجه واقعه ماراتن و سالامین برای تمدن بشر يك حادثه ناگواری بود و لسی ۱۵۰ سال بعد وقتی اسکندر بایران آمد بحدی تحت تأثیر ادب و فرهنگ ایرانیان و لطف و زیبایی و کمال و طرز زندگی و همچنین زیبایی و طنازی زنان ایران واقع شد که تمام مللی را که مقهور او شده بودند رها کرد و خواستار شد که بین دولت ایران و یونان يك وحدت و آمیزش فرهنگی و نژادی برقرار سازد و برای اینکه سربازانش باو تاسی کنند خود بايك زن ایرانی ازدواج کرد . ای کاش تربیت و تعصب اخلاقی من اجازه میداد که من هم از او پیروی کنم .

سلوکیدها منظور اسکندر را در مورد ایجاد وحدت بین فرهنگ ایران و یونان و تأثیر آن را تا اندازه ای درک کردند . ولی نفوذ روم و دخول سربازان آن کشور در آسیا سبب شد که در کار این آمیزش اختلال رخ دهد بطوریکه در تمام دوره اشکاتیان دولت ایران مثل امروز مجبور بود که تمام نیروهای خود را در راه حفظ استقلال ملی خود در مقابل فشار و حملات خارجی صرف کند شاهان ساسانی تقریباً تمام افتخارات دوره هخامنشی را دوباره برای ایران بدست آوردند . يك بار دیگر فرمانروایان بزرگ در ایران بظهور پیوستند و درد دستگاه حکومت انتظام و ترتیب پدید آمد و هنر و هنرمندی رونق گرفت . هر چیزی از پارچه های لطیف گرفته تا قطعات سخت آهن و برنز در دست قدرت و پرمهارت هنرمندان به شکلهای نقشهای مختلف درمی آمد . در این موقع بسیاری از اشیاء تجملی که بهمداد ساختن اشیاء تزئینی بیزانس تأثیری عمیق داشت بوجود آمد .

حملة عرب سیر تدریجی تمدن و توسعه فرهنگ شما را مختل ساخت ولی هنوز يك قرن از حمله عرب نگذشته بود که نهضت بنی عباس بظهور پیوست و بایران فرصت داد که برفاتحین خود ظفر یابد . ایران همان معامله ای را که یونان بارم کرده بود در مورد اعراب انجام داد . باپیدایش مذهب شیعه اصول مذهب اسلام برای مردم ایران از نوتدوین گردید علمای صرف و نحو و کلام و لغت و تاریخ مثل اینکه دوباره تجدید حیات کردند و راه ایجاد يك رنسانس ادبی را صاف و هموار ساختند .

در قرن چهارم هجری فهرست کتابهای کتابخانه عمومی شهری در ده مجلد بزرگ ثبت شده بود . در ۵۵۰ هجری شهر مرو ده کتابخانه بزرگ داشت که یکی از آنها حاوی ۱۲ هزار جلد کتاب بود .

در همان اوایل سده سوم هجری مورخین بزرگی در کشور شما ظهور کرده اند از جمله آنها یکی طبری است . نهمده سال پیش از این يك محقق و دانشمند ایرانی بنام ابوعلی ابن مسکویه کتابی را که من امروز بنام تاریخ عمومی از لحاظ فلسفه در صدد نوشتن آن هستم تدوین کرده است .

در تاریخ ۱۹۲ هجری خوارزمی که بکنفر ایرانی از اهالی خیره بوده رقوم و اعداد

هندی را به ایران آورد و سپس بتوسط اسلام این علم در مغرب زمین منتشر شد و ارسطام عربی ما را تشکیل داد .

نمره اتومبیلی را که من در بغداد دیدم دو نوع عربی و اروپائی که در حقیقت هر دو عربی است نوشته شده بود ولی شاید فقط عده معدودی از اهالی خود عراق و با از مردم اروپا این نکته پی برده باشند . همین خوارزمی است که در حقیقت علم جبر را وضع کرد و کلمه الجبر را که بمعنی تمام کردن و کامل ساختن است بآن علم داد .

قدیمی ترین جدول مثلثات منسوب بخوارزمی است . با تائید و تصدیق حتی مورخین اروپائی از قبیل جرج سارتن و دیوید اسمیت خوارزمی بزرگترین عالم ریاضی دان قرون وسطی بوده است .

ابوریحان بیرونی یکی دیگر از دانشمندان عالی مقام ایرانی است که وسعت معلوماتش حیرت آور است و مقامش حتی از مقام خوارزمی نیز شامخ تر میباشد . این دانشمند در سال ۳۲۶ هجری در نزدیکی خیره متولد شد . ابوریحان که در واقع لئوناردو داوینچی و لایب نیتز عالم اسلام محسوب میشود در ریاضیات و هیئت و جغرافی و علم کلام و تاریخ و فلسفه و شعر تبحر داشته و در تمام این علوم آثار مبتکرانه زیادی از خود باقی گذاشته است . امرای خوارزم و طبرستان و غزنه برای کسب افتخار و نگاهداری و حمایت وی در دربار خود بایکدیگر رقابت میکردند . شما لابد حکایت مسافری را که سلطان محمود غزنوی گفت من سرزمینی را دیده ام که در آنجا آفتاب تا چند ماه غروب نمیکند شنیده اید . سلطان محمود بتصور اینکه شخص مزبور با او مطالبه میکند امر باعدام او داد ولی ابوریحان جان مسافر را خرید و بآدمان توضیحاتی راجع بوضع خورشید در نیمه شب در منطقه قطب شمال و منطقه قطب جنوب مسافر بیچاره را از مرگ نجات داد .

کتاب «تاریخ الهند» بیرونی یکی از بزرگترین مباحث معقول ادبیات قرون وسطی میباشد . او به کروی بودن زمین واقف بود و با صحت عجیبی زاویه انحراف خورشید یعنی زاویه میان خط استوا و دایره انقلاب یا مدار خورشید را محاسبه کرد . وی قوه جاذبه زمین را شرح داده و متذکر شده است که اگر فرض شود زمین در شبانه روز یکبار دور محور خود و سالی یکدفعه بدور خورشید میچرخد تمام مباحث هیئت و نجوم قابل حل و تفسیر خواهد شد .

همانطوریکه بیرونی بزرگترین دانشمندان قرون وسطی است محمد زکریای رازی نیز که در ۲۲۹ هجری متولد شده است مهمترین پزشک آن عصر میباشد . تمثال وی پهلوی تمثال ابن سینا در دانشکده پزشکی دانشگاه پاریس نصب است . اگرچه مقام رازی از لحاظ تبحری که در علم طب داشته و تألیفاتی که کرده است از ابن سینا ارجمند تر میباشد شهرت ابن سینا بیشتر است ولی در فلسفه ابن سینا حقا بزرگترین دانشمند قرون وسطی محسوب میشود . ابن سینا در سال ۳۷۳ هجری در نزدیکی بخارا متولد شده و در خیره - گرگان - همدان و اصفهان زندگی کرده است .

کتاب «قانون» او در طب که بزبان لاتین ترجمه شده آثار رازی و گالن را از اهمیت انداخت و تا قرن هفدهم در دانشگاههای (من پلیه) و (لوون) تدریس میشد . نسخه گرانبهای از این کتاب که ۳۰۰ سال پیش نوشته شده است اکنون در کتابخانه آستور در نیویورک موجود

میباشد. روزی که من اجازه دادم این کتاب را کسب کردم دیدم این کتاب بقدری بزرگ است که من قدرت اینکه آنرا از قفسه بروی میز مطالعه ببرم ندارم. این کتاب دارای هزار صفحه (دوستونی) است و هر صفحه آن باندازه قطع یکی از قرآنهاى بزرگ شماست.

کتاب «شما»ى ابن سینا از کتاب قانون هم بزرگتر است و شامل ۱۸ مجلد بزرگ میباشد که در واقع دایرة المعارف کاملی است از علوم و فلسفه و علوم آلهی که توسط یکنفر تالیف شده است و میتوان گفت این کتاب بزرگترین شاهکار علمی دوره قرون وسطی میباشد. این کتابها و کتب ارسطو تنها منبع و مأخذ تحقیقات ابن رشد و دیگران و حتی علمای فلسفه اسکولاستیک مسیحی بوده است.

راجر بیکن ابن سینارا بعد از ارسطو بزرگترین فیلسوف جهان میشناسد و توماس آگوس ناس اسم او را مکرر در ردیف افلاطون با رعایت احترام ذکر میکند. من هیچ ملتی را باستانیای شاید ژاپونیا در دنیا سراغ ندارم که باندازه ایران شاعر داشته باشد محبوبترین شاعران دربار هارون الرشید ابونواس شاعر بنده گوی ایرانی بوده است.

شاهنامه فردوسی یکی از بزرگترین شاهکارهای ادبی جهان است و تا کنون هیچیک از کتب دیگر نظیر آن زیبایی و نفاست شاهنامه هائی که در موزه های عمومی و کتابخانه های خصوصی جهان موجود است تحریر و تذهیب نشده است.

من تا کنون فقط راجع بایران قبل از پیدایش سلسله سلجوقی سخن گفته ام و از شکوه و زیبایی تخت جمشید و قدرت مهندسی و معماری ایران باستان و حجاریهای عظیم آن ذکری نکرده ام. راجع به حجاریهای روی صخره های عظیم که در زمان داریوش اول و شاهپور دوم بعمل آمده نیز توضیحی بمیان نیاوردم و همچنین راجع به مختصر نفوذی که بعد از هجوم مغول و تانار بایران از صنایع شما در عصر بنی عباس باقی مانده است نیز ذکری نکردم ولی (المقدسی) و سیاحان دیگری که بایران آمده اند مساجد نیشابور و تبریز را از لحاظ زیبایی و شکوه با مسجد بنی امیه در دمشق در یک ردیف شمرده اند.

پس از اینکه سلجوقیان ایران را تسخیر کردند شما با آنها نیز همان معامله را که با اعراب کرده بودید کردید. یعنی ایشانرا که مردانی جنگی بودند به هنرمندانی ماهر تبدیل ساختید. بقول دکتر آرتور پوپ معماری عهد سلجوقی یکی از مظاهر کامل روح بشر میباشد. آشنائی با آرتور پوپ یکی از افتخارات بزرگ زندگی من محسوب میشود. من تا کنون کسی را ندیده ام که اینقدر عاشق زیبایی و حقیقت باشد. وی از لحاظ هنرین دانشمندان عالم شخص مقدسی محسوب میشود. پوپ بیش از تمام دانشمندان دیگر مرا با ایران آشنا ساخت و یکی از آرزوهای بزرگ من اینست که فرصت داشته باشم در یک مجلس بزرگتری الهامات عجیبی را که پوپ راجع بصنایع و هنرهای زیبا و بی پایان ایران به من مقررین و دانشمندان جهان کرده است بیان کنم.

در زمانی که معماری گوتیک در فرانسه ایجاد شده بود سلیقه ایرانی در ساختمان اشیاء تجملی زیبا و موزون با احساسات رزمی و پهلوانی سلجوقیها ترکیب شد و در همان موقع که صنایع گوتیک در فرانسه بی نهایت ترقی کرده بود شاهکارهای معماری و هنری بی نظیری در مرو و همدان و قزوین و اصفهان از این ترکیب بوجود آمد. در ایران و سایر کشور های

خاور نزدیک و میانه نیز نفوذ گوتیک در ستون‌ها و طاق‌ها و گنبد‌ها بطرز مشخصی ملاحظه میشود. نفوذ آثار گوتیک در دوره سلطنت سلجوقیان از لحاظ وحدت و جمال بعد کمال رسید. در عهد سلجوقی کوزه‌گری مهمترین هنر محسوب میشد و حتی معماری جزئی از صنعت کوزه‌گری و کاشیکاری بشمار میرفت. تزیینات براق و صیقلی و کاشیهای روح بخش در این دوشهر و همچنین در شهرهای تبریز و سلطان آباد و دامغان و نیشابور دیوارهای صدها مسجد و هزاران قصر را تزیین کرده است.

روی دیوارها و زیر پای مردم نیز فرشتهائی دیده میشد که امروز حتی خود ایران نیز نظر آنرا نمیتواند تهیه کند.

جای سینگر سار جنت نقاش و هنرمند امریکائی اظهار داشته است که تمام نقاشیهای زمان رنسانس ایتالیا ارزش يك قالی ایرانی را ندارد.

معروفترین شاعر شما یعنی عمر خیام در زمان سلجوقیان میزیسته است. عمر خیام در درجه اول يك دانشمند بزرگ بود که رباعیاتی بعنوان تفنن میساخت ولی از ریاضیات و هیئت بیش از هر چیز لنت میبرد. شما نباید اشعاری را که در مدح شراب گفته است زیاد جدی تلقی کنید.

نظریات او برای اصلاح تقویم ایران حتی از تقویم فعلی اروپا که موسوم به گرگوریان است نیز صحیح تر می باشد. یعنی تقویم گرگوریان در ظرف ۲۳۲۰ سال یکسروز خطا میکند در صورتیکه تقویم عمر خیام در ۳۷۷۰ سال یکروز خطا میکند. من خیلی متأسفم که موفق نخواهم شد که نه آرامگاه خیام را در نیشابور زیارت کنم و نه دکانی را که شیخ عطار در آن هطر میفروخت ببینم ولی امیدوارم که در شیراز زیارت مقام سعدی و حافظ موفق شوم.

مغولها تمام این افتخارات را در حیطة تصرف خود در آورده و از بین بردند. ترعه‌ها و قنواتی که اراضی شما را مشروب میکرد و کتابخانه هائی که مغز شما را تقویت مینمود همه را ویران ساختند ولی شما در ازای این عمل با آنها خدمت کردید و آنها را به صنعت و هنر علاقمند ساختید شهر تبریز که سر راه تجارت بین مغولستان و مشرق و شهرهای ساحل دریای سیاه واقع بود بی اندازه ثروتمند شد. شاید از همین مسیر بود که مغولها صنعت نقاشی را از چین با خود آوردند. صنعت چاپ اسکناس در ۱۲۹۴ مسیحی در تبریز بظهور پیوست. من راجع بمساجد با عظمتی که در تبریز بنا و خراب شده است یا راجع برصد خانه بزرگ مراغه یعنی جائیکه در ۱۲۵۹ مسیحی بدستور هلاکو بزرگترین منجمین چین تحت ریاست خواجه نصیرالدین طوسی در آنجا جمع و عالم اسلام معرفی شدند و یا راجع بشکوه و جلال شهر سلطانیه که الجایتو بنا نهاده است و یا از علمی که در اوایل قرن چهاردهم میلادی در جنوب تبریز توسط صدراعظم بزرگ رشیدالدین ایجاد گردید کبری بمیان نیآورم. این صدراعظم بزرگ که در عالم اسلام میتوان او را فقط با خواجه نظام الملک طوسی مقایسه کرد مینویسد که:

« هیچ خدمتی عالتر و پراراج تر از این نیست که تحصیل علم و تحقیق را تشویق و وسایل دانشندان را فراهم کنیم که با آرامش خیال و فارغ از اندیشه فقر و تهیدستی بکار خود ادامه دهند. »

در موزه باستان شناسی بزرگ شما من موفق شدم قسمتی از آثار رشیدالدین را درباره تاریخ مشاهده کنم و تأسف خوردم که در این عصر ابداً نمیتوان کتبی باین زیبایی نوشت یا تذهیب و نقاشی کرد. شخص تاحدی حق دارد نهی و غارت مغول را بخاطر ترویج صنعت تذهیب که در دوره آنها رواج یافت فحوا کند. در آن قرنهای انگشتهای شکیبو بر مهارت زیباترین کتابهای جهان را بوجود آورده است. مردم این دوره صنعت چاپ را میدانستند ولی کتابهای خود را چاپ نمیکردند و بهترین کتبی که امروزه چاپ میشود در مقابل يك شاهکار تذهیب شده عهد مغول که در ایران و ماوراء النهر نوشته شده بهمان اندازه شکفت آور است که بخواید يك اتومبیل نو فرد را بابنای «پارتن» در آتن مقایسه کنید.

یکی از شعرای ایران مینویسد: «قوة تصور نمیتواند میزان سرتی را که در اثر دیدن يك خط زیبا احساس میشود درك کند» . من نمیدانم در این نسخه های بزرگ کدام فریبنده تر است متن کتاب یا تذهیب آنها. فقط چینی ها و ژاپونیها میتوانند در تحریر و تذهیب این نسخ رقابت نمایند. بسلیقه شاید ناقص من تصاویر و کلماتی که روی اشیاء متعلق بدوره هخامنشی نقش شده است از بهترین ذخایر موزه باستان شناسی شما میباشد ولی من نمیتوانم در این سخنرانی از اوج يك افتخار باوج افتخار دیگری که در عالم صنعت نصیب شما شده است پرواز نمایم.

از اینکه من اینقدر زیاد صحبت کردم بوزش میطلبم. چونکه من آموخته ام که چگونه اشعار و هنرهای زیبا و عادات و رفتار و روحیه شمارا دوست بدارم. ای کاش عمر من کفاف دهد که در شاهکارهای شما بطور کاملتری مطالعه کرده و حق آنها را آن طوریکه شایسته است در تاریخ می نویسم اما سازم ولی من کاری خواهم کرد که تاکنون هیچ مؤلف مسیحی نکرده باشد و آن اینست که يك نلث فصل تمدن قرون وسطی را بفرهنگ اسلام اختصاص خواهم داد.

خوانندگان مسیحی این کتاب تعجب خواهند کرد که تمدن اسلام را بتفصیل تشریح کرده ام ولی برعکس محققین مسلمان متأسف خواهند شد که راجع بفرهنگ اسلام مختصر نوشته ام.

در تاریخ کمتر دیده شده است که در مدت چهار قرن یعنی از زمان هارون الرشید تا زمان ابن رشد این اندازه رجال بزرگ سیاسی و علمی که در عالم اسلام در رشته های تعلیم و تربیت - ادبیات - فلسفه - جغرافی - تاریخ - ریاضیات - شیمی - طب - علوم الهی و علم کلام ظهور کرده اند بوجود آید در واقع این نهضت بزرگ در نتیجه آزادی ورهائی از نفوذ یونان ایجاد شد و نه تنها بزمان داریوش بلکه به یهودیه زمان سلیمان و زمان آسور بانیبال و بابل زمان هامورابی و آکاد زمان سارگون و سومر زمان پادشاهان فراموش شده بر میگردد.

بنابراین میتوان گفت که تاریخ تکرار میشود و بدین طریق ثابت میگردد که باوجود زلزله ها و شیوع امراض و حشتناک و مهاجرت های عمومی و جنگهای خانمان سوز اصول تحول تمدن ازین نمیروند و تمدنهای جوان جای تمدن قبلی را میگیرند و آنرا از محو شدن و اضلال نجات مینبخشد و بالاخره آنرا از تقلید کردن بابتکار نمودن تبدیل و وادار میسازد تا اینکه در تمدن جدید خون تازه ای جریان یافته و روح جدیدی دمیده شود.

از آنجا که بنی آدم اعضای یک پیگرد و هر فردی تابع یک دنیای متحد و واحدی  
 میباشد میتوان گفت که تمدن‌های مختلف واحد هائی از یک پیگرد بزرگ که ما آنرا تاریخ  
 مینامیم تشکیل میدهد .

بنابر این محققین و دانشمندان با وجود اینکه بکشور خود تعلق دارند خود را باید  
 عضو یک عالم بی‌متهاک، جولانگاه آن فکر لایتنامی بشر است بشناسند . اگر محقق  
 بخواهد امتیازات بزادی و سیاسی برای تحقیقات خود قائل شود مسلماً شایستگی این مقام را  
 نخواهد داشت بلکه او باید بکدل و یک زبان بمللی که موجود و مشعلدار این میراث بوده‌اند  
 با کمال قدرشناسی تعظیم و تکریم کند . از این جهت من هم با کمال احترام بشما تعظیم و  
 کرنش میکنم .



## آقای «بیتاب» شاعر معاصر افغان

### غزل

سر بصحرا زدن از بسله دهد یاد مرا  
 خار خار غم عشقت بدلم تا جا کرد  
 گشت آب و گلم از آتش غم خسا کستر  
 یار شیرین بسرش بود بوقت مسردن  
 دوستداران منمائید شهرم تکلیف  
 گوشمالی دهم بسکه فشار گردون  
 در تموز آتش و در فصل زمستان یخ بود  
 هفت اندام من از درد قیامت دارد  
 هستم نیست بجز خرمن یوچی «بیتاب»  
 ساخت درفن جنون چشم تو استاد مرا  
 کس ندیده است بگلزار جهان شاد مرا  
 این زمان کاش بکویش ببرد باد مرا  
 کشته شیرینی جان کندن صیاد مرا  
 هست صحرای جنون ملک خداداد مرا  
 چون رباب است همین ناله و فریاد مرا  
 بهترین نعمت اگر چرخ نگون داد مرا  
 گوئیا عمر رسیده است بهفتاد مرا  
 کلاشکی مادر ایام نهیزاد مرا